

سمنه صادقی

این روزها ضدیت با انواع جلوات پیام دین، از جمله ظهور آن در هنر، به اشکال مختلف مورد تعریض و تشکیک قرار می‌گیرد اما گویا اینکه تاریخ دیرین هنر معطوف به دین در جهان و حتی ایران، به ناگاه ره به وادی فیستی و فراموشی سپرده است! در گفتو شنود پیش‌رو، اندیشمند و هنرمند فرزانه جناب دکتر محمد علی ر جسی در باب پیشینه و چالش‌های کنونی هنر دینی سخن گفته و ایاد گوناگون آن را بازنه‌کاویده است. امید آنکه پژوهنگان را به کار آید.

■ ■ ■

ابتدا تعریف تان را از هنر بفرمایید؛ چون این مسئله امروز مورد مناقشه و محل اختلاف است.
هنر یکی از وجوه معرفتی بشر است که دارای ویژگی‌های خاصی است. از سویی بشر جز معرفت به حقیقت کاری ندارد. از هر طریقی که برود در جست‌وجوی حقیقت است، فقط طرق‌شان متفاوت می‌شود و این طرق متفاوت زمینه‌پدایش علوم و معارف را ایجاد می‌کند. یکی از این نشون هنر است. موضوع هنر آن چیزی که همه هنرمندان در جست‌وجوی آن هستند فهمیدن حقیقت و کنه عالم است اما نه از طریق عقل بلکه از طریق مستقیم و طریق مستقیم هم همان طریق قلب است. هنرمندان با قلبشان روشی را دنبال می‌کنند که به قول حافظ می‌توانند یک‌شبه ره صدساله برونند.هنرمندان استدلال نمی‌کنند و با استدلال کارشان پیش نمی‌رود چرا که استدلال یک‌م امر عقلی است. هنرمندان با قلبشان گزارش می‌دهند و ما نمایی می‌شوند یا جلوه‌هایی از حقیقت و حاصل این انس را به نمایش می‌گذارند.

حال اگر انس پیدا کنند با اسماء لطف خدا جلوه‌های لطف حق را در امور و اشیا و عالم می‌بینند و گزارش می‌دهند. اگر که انس پیدا کنند با اسمِ قهر خداوند آن جلوه‌هایی که مظهر اسمِ قهر خداوند است را در آثارشان متجلی می‌کنند، چراکه هنرمند هر چه را مشاهده کند همان را ببین می‌کند. اگر غیر از این باشد ما آنها را هنر نمی‌دانیم و هنرواره می‌دانیم. به همین خاطر ما دو جلوه از هنر را در حال حاضر می‌شناسیم؛ جلوه‌ای که مظهر اسمِ قهر الهی را در مسائل و امور جهان مطرح کرده‌اند و هنرهایی که مظاهر اسمِ لطف الهی را مطرح کرده‌اند که اصطلاحاً ما به این بخش دوم هنر دینی یا هنر رحمانی می‌گوییم و به آن بخش اول هنر شیطانی یا هنر طاغوتی و غیر دینی می‌گوییم. نکته در این معنا اینست که هنرمند هر چه را مشاهده کرد در حال حاضر فقط هنر را هنری می‌داندستند که تجلیات جلوه حق بر اساس اسماء لطف باشد. به همین خاطر می‌گفتند هنر فضیلت است و هنر نمایش فضیلت‌های انسانی است. اگر نمایش ذایل‌الاستی باشد هنر چند کمه که با زیبایی و قواعد زیبایی بیان شده باشد اساساً هنر نیست. به همین خاطر خود واژه هنر را به عنوان یک مردی یا دانشمند که در عرفان اسلامی به انسان کامل تبدیل شده، می‌دانستند.

چه نسبتی میان هنر و دین وجود دارد؟ البته بلاحاط تعاریفی که از هر دو عنوان مطرح شده است.

دین تعریف مختلفی دارد، یکی پار می‌گویند که دین روش است یا دین قانون مقدس است و به قانون مقدس دین می‌گویند، یک زمان دین می‌شود سرشت، انواع تعریف‌ها برای دین صورت گرفته، حال باید ببینیم که هنر در نسبت با دین به کدام یک از این معانی نزدیک‌تر است و با آن ارتباط پیدا می‌کند. اگر دین را روشی بدانیم برای شناخت و معرفت به حقیقت هنر می‌شود عین دین. چون هنر هم به دنبال همین مسئله است. اگر دین را دستورات خاصی بدانیم اینجا می‌شود دین که مظهر برای هنر یا یک راهنما برای هنر که هنرمند از طریق این محمل و این مرکب سیر می‌کند اما باز به سوی همان حقیقتی که در ذات خودش به دنبال آن بوده است. به هر حال بر خورده‌ای مختلفی بین دین و هنر مشاهده شده، آن جایی که هدف نگاه‌ها و مراکز تصمیم‌گیرنده عمیقاً به این کشف حقیقت بوده می‌بینیم که هنر و دین آنچنان با هم یگانه شده‌اند که گاهی هنر شده است محملی برای دین و گاهی دین شده است محمل هنر و هر دو حقیقت را آشکار کرده‌اند و هر دو در نتیجه تجلی‌شان هدایت کرده‌اند مردم را به سوی حقیقت‌الحقایق عالم.

از چه زمانی هنر غیر دینی در دنیا رسمیت پیدا کرده‌است؟ بسترهای تحقق این امر چه بوده‌و این جریان تا کجا توفیق یافته‌است؟

از ابتدای تاریخ بشر هنر، هنر دینی بوده است اما در پایان دوره اسطوره‌ای یونان کسانیا علیه‌موارین دینی در اسطوره‌ها که خودشان اولین حجاب بر حقیقت دین بوده‌اند ورود پیدا کرده‌اند. ولی چون اولین حجاب بوده‌اند باز قدرت نفوذ هنر غیر دینی بر آنها زیاد نبود. سپس در عصر متافیزیک یونان در مقابل همان هم قیام شد و عقل ظاهری انسان سعی کرد به جای دریافت‌های دینی و ودایع و ماثر دینی گذشته را املاک قرار دهد. اینجاولین بار بود که چنین اتفاقی افتاد و ما می‌بینیم در هنر یونان و روم دین‌گربن موضوعیت خودش را از دست داده است. اما هنوز کاملاً لاکل همه‌موارین دینی صدرصد محقق نشده بود تا عصر نسانس! البته با ظهور حضرت مسیح (ع) تزلزلی در تفکر یونانی رومی به‌وجود می‌آید اما به هر حال تفکرات متافیزیکی و گرایش به طرف اومانیسم بیشتر می‌شود تا در عصر نسانس با ظهور اومانیسم بشر دوبار کفر می‌ورزد. یعنی یکبار نفسی هر حقیقتی را می‌کند که ورا انسان و ورا این عالم است و یک بار دینگر خودش را جای خدا می‌گذارد و خودش محور و مدار عالم می‌شود! از اینجاست که دیگر بحث هنر دینی از حوزه غرب بیرون می‌رود و هر چه غرب در سراسر عالم از جمله شرق جغرافیایی نفوذ پیدا می‌کند می‌بینیم که این نحوه تفکر سراسر شرق جغرافیایی را هم می‌گیرد. اما تفکر دینی در تزلزل و هر چند نه به صورت قدرت حاکم، همواره ادامه داشت و تا امروز به ادامه دارد و جلوه‌های از هنر دینی که مردم را دعوت می‌کند به حقیقت عالم، جلوه‌هایی از حقیقت هنر دینی است اما به هر حال چون در ذیل هنر اومانیسم حرکت می‌کند امروز حاکمیت ندارد.

از چه زمانی می‌توان گفت هنر غیر دینی وارد آثار هنری ایران شد و بانیان و وارد کنندگان این گونه از هنر چه عناصر و چریاتی بودند؟

ما از ابتدا به هنرمان هنر اسلامی نمی‌گفتیم چرا که ما قبل



جستارهایی در تعریف و توسعه هنر دینی

در گفت‌وگوی «جوان» با دکتر محمدعلی رجبی

هنر دینی در حال توسعه است

دیدگاهی دارید؟

از اسلام هم در حوزه دین زندگی می‌کردیم. غربی‌ها زمانی که به انواع هنر‌های پیشین آمده در جهان نگاه کردند، متوجه هنر ما شدند و گفتند که این هنر متأثر است از هنر اسلامی. اما هنر اسلامی ایران و آن سمت بدون آنکه هیچ یا هنر اسلامی آسیای صغیر شد. اما در اواسط دوره صفوی با اشتباهاتی که برای مقابله با دولت عثمانی داشتیم و آن رویکرد به غرب بود غرب به دنبال کمک نظامی به روسیه و موزدپانه فرهنگ خودشان را وارد کشور ما کردند و ادامه پیدا کرد تا دوره قاجار اما مع‌الوفض از سوی هنرمندان مؤمن به فرهنگ اسلام و ایران مقابله‌های عملی محکمی صورت گرفت. اما در دوره پهلوی اول و دوم به طور رسمی در کشور رواج پیدا کرد و بعد از سفر پهلوی اول به ترکیه و ملاقات با آتاتورک با انواع حیل‌ها و زور گویی سعی کردند هنر را مخدوش کنند. طوری که مرحوم خالقی در کتاب موسیقی‌اش می‌نویسد «مستور دادند به علیقلی وزیر که باید موسیقی ایرانی را از بنیاد منحول کنید تا سمیت موسیقی غربی.» در همه رشته‌ها به همین صورت بود، حتی در آموزش زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه تهران زمانی که تأسیس شد از ابتدا آندره گدار قانون گذاشت که به هیچ‌عنوان هنر ایران در آن تدریس نشود. اما در همان زمان هنرمندان دردمند و دلسوز خارج از حوزه دانشگاه به کارشان ادامه دادند و این هنر بعد از انقلاب خودنمایی کرد. اینکه می‌بینیم بعد از دوره پهلوی و حتی در همان دوره پهلوی زمانی که متوجه می‌شوند نمی‌توانند باز رویکرد به هنر مندان فشار بیآورند مجبور می‌شوند به بهانه‌هایی خودشان را دوستدار هنر ایران نشان دهند. هر چند بعد از انقلاب برخی عوامل آنها هنوز هم فعال هستند و اجازه نمی‌دهند نگاه‌ها و مراکز تصمیم‌گیرنده عمیقاً به این هنر بپردازند. اما به هر حال آن ابهت و موقعیت طاغوتی در هم شکسته شده است. رویکرد به غرب را اینطور می‌دانیم که زمینه‌هایی در آن دوران ایجاد شد که در اواخر دوره قاجار فراموش‌تری نقش بسیار عمده‌ای در شکل‌گیری‌اش داشت و حتی تا پایان دوره پهلوی بر کشور حاکم شد و اجازه نمی‌داد جایگاهی برای مباحث اصلی هنر اسلامی و ایرانی وجود داشته باشد.

عقد مخالفت هنرمندان غیر دینی با هنر دینی چیست؟ این بسترها بیشتر واقعی هستند یا مجازی؟
دین ما را دعوت می‌کند به جایگاهی که در آن انسان جزئی از عالم بزرگ می‌شود و نه تنها چیزی را از دست نمی‌دهد بلکه آنقدر وسیع می‌شود که به اندازه تمام عالم آفرینش گستره می‌یابد. دین ما را می‌خواهد به جایگاهی برساند که اصطلاحاً به آن مقام محمود انسان یا مقام پسندیده انسان می‌گویند. مثالی در عرفان می‌زدند، می‌گفتند چند راهی که در دریا می‌افتد دیگر اسمش فراموش و جزئی از دریا می‌شود بدون آنکه هیچ یک از ویژگی‌هایش را از دست داده باشد. هنر دینی هم همین هدف را دنبال می‌کند اما هنرهای غیر دینی ما را به فردیت خودمان دعوت می‌کنند چون معیار هر فرد بسیار کوچک و محدود است دستیابی به آن سطوح کوچک خیلی سریع و راحت است. این است خاطر این ساده‌انگاری سبب می‌شود که بیشتر جذب هنر غیر دینی شوند و هر گز حاضر نشوند برای رسیدن به آن دریای معرفت سختی‌ها را تحمل کنند. مثلاً هنرمندان قدیم برای رسیدن به مقصود می‌گفتند ما باید رنج مقدس ببریم، چون رنج در طریق یک مقام عالی بود می‌گفتند این رنج مقدس است. اما هنرمندان امروز این مسئله را نمی‌پذیرند چرا که می‌بینند بسیار سریع و راحت می‌توانند به مقصودشان دست پیدا می‌کنند و چون حاکمیت هم یا تفکر اومانیستی و کفرآمیز جدید است خریدار برای آثارشان هم وجود دارد. این هنر مندان چون احساس می‌کنند مورد تأییدند و خیلی راحت و سریع به مقصودشان می‌رسند در مقابل هنر حقیقی موضع می‌گیرند و اقبال نشان می‌دهند به هنر‌های جدید و هنر‌هایی که مبتنی برخاص آنی و صوری بشری است.

عده‌ای معتقدند هنر دینی هنرمند را در خلق آثار محدود می‌کند. درباره این انگاره چه می‌فکرید؟
هنر دینی به هر فرد بسیار کوچک و محدود است دستیابی به آن سطوح کوچک خیلی سریع و راحت است. این است خاطر این ساده‌انگاری سبب می‌شود که بیشتر جذب هنر غیر دینی شوند و هر گز حاضر نشوند برای رسیدن به آن دریای معرفت سختی‌ها را تحمل کنند. مثلاً هنرمندان قدیم برای رسیدن به مقصود می‌گفتند ما باید رنج مقدس ببریم، چون رنج در طریق یک مقام عالی بود می‌گفتند این رنج مقدس است. اما هنرمندان امروز این مسئله را نمی‌پذیرند چرا که می‌بینند بسیار سریع و راحت می‌توانند به مقصودشان دست پیدا می‌کنند و چون حاکمیت هم یا تفکر اومانیستی و کفرآمیز جدید است خریدار برای آثارشان هم وجود دارد. این هنر مندان چون احساس می‌کنند مورد تأییدند و خیلی راحت و سریع به مقصودشان می‌رسند در مقابل هنر حقیقی موضع می‌گیرند و اقبال نشان می‌دهند به هنر‌های جدید و هنر‌هایی که مبتنی برخاص آنی و صوری بشری است.

امروزه انقلاب‌های هنری در دنیا مطرح است که همه به نام دین انقلاب کرده‌اند و هنرمندان هم در حال خلق آثار دینی هستند ولی مورد استقبال خریداران و واسطه‌های بزرگ هنری که بیشتر هم سازمان‌های جاسوسی و فراماسونری در حال گرداندن آنها هستند، قرار نمی‌گیرند. نمونه‌اش در کشور خود ما که مردمش با شعار الله اکبر قیام کرده و تاریخ چند هزار ساله دینی و هنری که از گذشته زمینه دینی داشته است، یک شرکت انگلیسی پیشنهاد می‌دهد که آثار هنری ما را به خارج ببرد و با قیمت بالا بخرد به شرطی که ویژگی‌هایی داشته باشد که ربطی با فرهنگ دینی و ملی ما نداشته باشد!



حسین طارحی‌نهاد، جوان

باشند. این‌ها مسائلی نیستند که ما تنها از طریق اسناد خاصی به دست آورده باشیم. کتاب‌ها در این رابطه نوشته شده و سمنیارها بر گزار می‌شود و در غرب بحث در رابطه با این مسائل فراوان است اما در دانشگاه‌های ما و در مراکز تصمیم‌گیری ما که بودجه‌های کلان کشور برای پیگیری این مسائل در اختیار شان گذاشته شده متأسفانه این گونه بحث با مطرح نیست و مسئولان باید در قبال آن جوابگو باشند.

اساتید در زمینه آگاهی دادن به نسل جوان چه نقشی ایفا می‌کنند؛ چرا که تبلیغ برای شرکت در حراج‌هایی مثل کریستیز در میان اساتید هنتری و هنرچوها بسیار دیده می‌شود.

در مورد حراج کریستیز خلنی در محضر مقام معظم رهبری همین بحث را مطرح کردند و ایشان به شدت ناراحت شدند و گفتند ما به اظهار تأسف بنده است و باید مسئولان نسبت به این قضیه حساس باشند و ببینند و بررسی کنند اما متأسفانه هیچ کس چنین کاری را نکرده و هنوز هم نمی‌کنند. خوب هم رهبری با این نوع برنامه‌ها مخالف است و هم دردمندان و هنرمندان حقیقی که دردمندند نسبت به فرهنگ و تمدن بشری مخصوصاً ایران عزیزمان. اما حاکمیت کشور باید از این مسئله حمایت کند که نمی‌کند. ببینید به عنوان نمونه دو بخش را می‌گویم. امروزه دو عده فعالیت می‌کنیم برای احیای فرهنگ انقلاب اسلامی ایران یک عده‌ای از هنرمندان انقلاب که از همان نسل اول هستند و خودشان پیش از انقلاب این حرکت را آغاز کرده‌اند و در طول دوران انقلاب تجربه به‌دست آورده‌اند و قصد دارند به دست خودشان این تجربه را به دانشجویان ایرانی منتقل کنند و خواهان یک دانشگاه هنر انقلاب هستند. مسئله دیگر دانشگاهی بود که اسناد بزرگوار ما آقای محمود فرشچیان از ابتدای انقلاب در رابطه با آن صحبت می‌کردند و من هم به عنوان دانشجوی ایشان دائماً در رابطه با آن صحبت و بحث کرده‌ام که ما باید دانشگاهی برای هنر‌های اسلامی ایران یا اسلامی –ایرانی داشته باشیم. چرا که ایرانی که آنقدر در بسیاری از هنر‌های اسلامی مدیغ بوده این آمادگی را دارد که به وسیله استادان تراز اول که در این رشته‌ها هستند تا این اساتید از میان ما نرفته‌اند، هنرش به جوانان آموزش داده شود تا این فرهنگ در کشورمان بماند. اما متأسفانه هزاران طریق بازی در آورده‌اند تا اکنون این مسئله را عملی کرده‌اند. یعنی همه فکر بوده و هم افراد دلسوز بوده و درباره‌اش صحبت کرده‌اند اما حاکمیت مهم است. همانطور که در غرب با حاکمیت با کفر است و اجازه نمی‌دهد آنهایی که در غرب به حقیقت غرب رسیده و معتزذ اند و رویکرد به دین و دیانت دارند، در تاریخ هنر غرب وارد شوند متأسفانه در داخل کشور ما هم به این نحوه تفکر و به فریاد این هنر مندان و صاحب نظران دلسوز توجهی نشده و نمی‌شود.

که هر گز وارد این حوزه نمی‌شوند و ساحت مقدس هنر خودشان را الوهه نمی‌کنند. این مشکل در غرب در اوج خودش است و آنهایی که تبلیغ و تأیید می‌کنند بر مستندانش هستند و برای چه موضوعاتی در جهان تبلیغ می‌نویسند در جهت مقاصد خودشان است و تاریخ هنر در واقع تاریخ هنر شیطانی غرب است نه هنر رحمانی که امروزه در غرب در سینما، نقاشی و تمامی هنرها هنر مندانشی حرف‌های بسیاری می‌زنند و کار‌های بسیار مهمی انجام می‌دهند. اما اینها را وارد تاریخ هنر نمی‌کنند چرا که امکانات و قلم در دست جبهه مخالف است. وگرنه رویکرد بسیار زیادی در جهان معاصر به سوی هنر دینی صورت گرفته‌است و اتفاقات دیگری هم کمک می‌کند که هنرمندان جهان متوجه شو‌اند اگر حقیقتی در عالم وجود دارد همان حقیقت دینی است که قیام کرده علیه‌این کفر و زندقه بشر امروز.

دنیا هنر مندان هم به عنوان صاحب سبک در دنیا مطرح شده‌اند دنباله‌روهای هنر غیر دینی بوده‌اند.

بله، خانم ساندرز که نویسنده‌ای فرانسوی است کتابی دارد که توسط اطلاعات این کتاب در ایران چاپ شده است و در این کتاب می‌بینید اسناد محرمانه سازمان سیا را که کسانی مانند جسون بلاک در نقاشی و کوهن نظریه پرداز هنری به عنوان مزدگیران مستقیم سازمان CIA معرفی شده‌اند و برای چه موضوعاتی در جهان تبلیغ می‌کنند و مستقیم زیر نظر این سازمان‌ها کار می‌کرده‌اند. اینطور نیست که ما ساده‌اندیشه‌فکر کنیم آنچه به ما ارائه می‌شود واقعیت غرب است؛ چرا که واقعیت غرب آن چیزی که به ما ارائه می‌شود نیست.

مسئله این است که عده محدودی از نسل جوان از این مسائل بی‌خبرند و اساتید اندکی هم این واقعیت را پذیرفته‌اند. برای حل این مسئله چه می‌توان کرد؟

حل این مسئله به عده برمی‌گردد؛ اول هنرمندان متعددی که از این قضایا باخبرند و صاحب‌نظرانی که همواره در رابطه با این مسائل صحبت کرده‌اند و از طرفی به حاکمیت برمی‌گردد. حاکمیت در قبال این جریان‌ات وظیفه دارد. ما در کشور مؤسسات بسیاری داریم که بودجه مملکت برای پیگیری اینگونه مسائل و گفتن حقایق صرف آنها می‌شود و اگر این سازمان‌ها در این مورد صحبتی نمی‌کنند باید پاسخگو باشند که آیا از این مسائل خیر ندارد؟ و اگر خیر ندارند پس در جایگاه خودشان نیستند و اگر باخبرند و اطلاع نمی‌دهند، خیانت می‌کنند. باید بودجه‌های کشور که در این وزارتخانه‌ها و مؤسساتی که اختصاص یافته‌اند برای این مسائل در دو جهت مصرف شوند.

۱- در جهت آگاهی دادن به همه اقشار مردم خصوصاً اهل فن در رابطه با اینکه حقیقت امروز عالم چیست؟
۲- حقیقتی که باید در کشور باشد و آن حقیقت دین است که به خاطر آن انقلاب کرده‌ایم.
سپس در این دو جهت باید سلسلی و ایجابی خرج شود. خب اگر آگاهی داده نمی‌شود این سازمان‌ها باید پاسخگو جهت مصرف شوند.

۱- در جهت آگاهی دادن به همه اقشار مردم خصوصاً اهل فن در رابطه با اینکه حقیقت امروز عالم چیست؟
۲- حقیقتی که باید در کشور باشد و آن حقیقت دین است که به خاطر آن انقلاب کرده‌ایم.
سپس در این دو جهت باید سلسلی و ایجابی خرج شود. خب اگر آگاهی داده نمی‌شود این سازمان‌ها باید پاسخگو

روزنامه جوان | شماره ۴۳۱

هم تربیت شده‌اند و عده بسیاری هم این مسائل را فهمیده‌اند اما آن بخشی که مربوط به مسئولان است باید به آنها بگویم که بیایند حمایت کنند. وقتی ما هنرمندی را به طریق درست انداخته‌ایم و تربیت کرده‌ایم اثر این هنرمند باید توسط مسئولان مورد حمایت قرار بگیرد و جایگاهی پیدا کند. خب بنده نمی‌توانم به آن هنر مند جایگاه بدهم. ما فقط می‌توانیم هدایت کنیم به راه درست. حال زمانی که در این راه درست قرار گرفت کسی باید حمایت کند؟ مسئولان باید پاسخگو باشند که تا به حال چه کرده‌اند. این همه نیرو تربیت شده‌اند، نتیجه چه شد؟ یک زمانی وقتی ما می‌خواستیم سخنرانی کنیم و دفاع داشته باشیم از هنر اسلامی و هنر دینی فراموش نمی‌کنم که در موزه هنر‌های معاصر صدها نفر را آورده بودند که من را کتک بزنند و امروز وقتی جایی سخنرانی می‌کنیم چندین هزار نفر دانشجوی فهمیده در سطوح مختلف تا دوره عالی دکتر او استادان هنر در این جلسات شرکت و گفته‌هایمان را تأیید می‌کنند. این نشان می‌دهد که جامعه هنری آن اثراتی را که هنرمندان و صاحب‌نظران دردمند به آن اشاره داشته‌اند پذیرفته‌اند و بر آنها تأثیر داشته است. اما آیا از اینها حمایت می‌شود؟ این را باید سؤال کرد و حمایت از این مسائل کار ما هنر مندان نیست. ما فقط می‌توانیم راهنمایی کنیم به یک سوی درست. حمایت کار ولت و مسئولان مربوطه است که از آثار و اسهاف این هنرمندان حمایت کنند. ما هنوز یک موزه هنر انقلاب در کشور بعد از ۳۵ سال نداریم. چرا نباید چنین موزه‌ای داشته باشیم و آثارمان برارکنده باشند؟ چرا باید بسیاری از آثار از بین بروند؟ اینها دستاورد هنرمندان انقلاب است. موزه‌ای که اختصاص داشته باشد مثلاً به هنر نگارگری ایران، و آثار استان بزرگ، چرا که در دنیا ما را به هنرنگارگری‌مان می‌شناسند و همه هم گفته‌اند این هنر هنر دینی و اسلامی است و ما یک موزه به این نام نداریم، چرا؟

وقتی مسا در موزه هنر‌های معاصر نمایشگاه شاهکارهای نگارگری را برپا کردیم برخی روزنامه‌های اصلاح‌طلبان به ما فحاشی کردند که شما چرا در موزه هنر‌های معاصر که متعلق به هنر معاصر است، قهرمان را به نمایش گذاشته‌اید! یعنی ما در کشور خودمان تا این اندازه اجازه نداشته باشیم جایی را در اختیار داشته باشیم که آثارمان را به نمایش بگذاریم. آن وقت از سراسر دنیا محققان آمدند و به خاطر آن نمایشگاه تریبک گفتند لیبراسیون مقاله‌ای نوشت که مهم‌ترین نمایشگاه ۵۰ سال اخیر جهان در موزه هنر‌های معاصر تهران برپا شده است. در حالی که در کشور خودمان ما به توهین می‌شد که به چه چیزی در موزه‌ای که متعلق به هنر معاصر است چنین نمایشگاهی بر پا کرده‌اید و منظورشان از هنر معاصر، هنر‌های غرب‌زده بود. اینجاست که ما می‌بینیم در کشور نه جای نگهداری آثار و نه دانشگاهی برای آموزش داریم. یک تک‌کلاس اساتیدمان و هنرمندان انقلاب و اسلامی مان در حال از دست رفتن هستند افرادی مانند مرحوم اوینی، فردی و ملاقلی پور از دست رفتند. اینها همگی افرادی بودند که در دوران انقلاب اسناد داشته‌اند و تجزیه‌هایی را به دست آورده‌اند اما همه یک به یک از بین می‌روند در حالی که مسئولینمان در قفر جایی برای تربیت نیروهای بعدی مثل آنها نیستند.

در این میلان برخی هنر مندان را هم می‌توان یافت که به علت همین کم توجهی مسئولان بی‌رغبیت شده‌اند.

نمی‌توان گفت هنر مندان بی‌رغبیت شده‌اند به هنر انقلاب. البته در این مسیر به علت غفلتی که مسئولان ما کرده‌اند شیاطین عده‌ای از نیروهای انقلاب را منحرف کرده‌اند هر چند اندک بوده‌اند و به جایی کشانده‌اند که اطلاع دارید و آن بحث دیگری است. ولی آنهایی که به‌دنبانده می‌کند کار اصلی‌شان را برای دلشان انجام می‌دهند و مجبور هستند مقداری کارهایی را هم انجام دهند که ظاهراً موضوعیت فرهنگ انقلاب را نداشته‌باشد تا بتوانند در بازار مکاره خرید و فروش آثار هنر جایگاهی داشته باشند.

همانطور که اشاره شد امروزه اغلب گالری‌ها خواهان آثار انتزاعی شده‌اند

و هنر انقلابی و دینی در میلان گالری‌ها طرفداری ندارد.

بله. در کتاب ختم ساندرز می‌بینید یکی از مسائلی را که سازمان CIA، به آن تأکید داشته و این خانم در کنایش با استفاده به اسناد درباره آن صحبت می‌کند این است که هنر بخش به اسناد هنر یکی از مسائلی که باید ترویج شود، آکرسیون است؛ چرا که در هنر انتزاعی هیچ دردمندی و تعهدی وجود ندارد و خیلی خوب است که مردم دنیا سرگرم یکسری زیبایی‌های ظاهری باشند تا اینکه به فکر آن باشند که از عمق وجود انسان سخن بگویند و در مقابل ظلم و کفر بایستند.

آینده هنر دینی را در کشور چطور می‌بینید؟

من آینده جهان را به محوریت ایران با تمام مسائلی که در داخل کشور مشاهده می‌شود، با ولایت امام (ره) و رهبری رهبر معظم انقلاب می‌دانم که به سوی هنر و تمدن و جامعه اسلامی – نمی‌گویم دینی – با سرعت در حال پیشروی است و احساس می‌کنم بسیار سریع اتفاق خواهد افتاد. این ماجراهای سیاسی و نظامی که در منطقه در حال وقوع است و تمامشان با سرعت در حال تشدید شدن است، یک حرکت جهانی را به وجود می‌آورد و این حرکت‌ها را فقط یکسری حرکت‌های اجتماعی و احساسی نباید ببینیم. این حرکت‌ها بسیار بنیادی است و اتفاقاً اولین تعارضاتشان را در هنر نشان خواهند داد که حاکمیت‌ها را که مخالف این نحوه تفکر هستند، برهم خواهند زد. من بسیار امیدوارم به آینده نزدیک حاکمیت هنر انقلابی و اسلامی خصوصاً با محوریت ایران اسلامی.